

بررسی علل جهانی افزایش خشونت سایبری علیه زنان

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۸/۰۸ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۰۹/۱۵)

مریم فتاحیان

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه

چکیده

یکی از اصلی ترین قربانیان خشونت در جهان زنان هستند. با پیشرفت جوامع و جهانی شدن ارتباطات اعمال خشونت علیه زنان تغییر شکل داده و به اشکال مختلف بروز پیدا می کند. خشونت در فضای مجازی یکی از اشکال نوظهور این آسیب اجتماعی است. مقاله حاضر ضمن تعریف مفهومی از خشونت به بررسی علل جهانی خشونت سایبری علیه زنان می پردازد. این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال است که "چرا برخلاف ارتقای جایگاه جنسیتی زنان خشونت علیه زنان افزایش یافته است؟ با توجه به دیدگاه های رهیافت زیست شناختی و تئوری ناکامی پرخاشگری که به ماهیت خشونت پرداخته اند دیدگاه جامعه شناختی بیشتر به علل بروز خشونت علیه زنان پرداخته است. تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به اثبات این فرضیه پردازیم که "اختلافات والدین و رفتار تحریک آمیز زنان دو عامل اصلی خشونت علیه زنان در فضای سایبری است." با توجه به نظریه یادگیری اجتماعی مشاهده و تجربه خشونت در کودکی اصلی ترین عامل بروز خشونت در بزرگسالی است."

۲۹



مقدمه

خشونت علیه زنان بارزترین نوع نقض حقوق بشر در ارتباط با زنان است. با پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن ارتباطات خشونت علیه زنان عرصه ای جدید برای بروز یافته است. یکی از این عرصه ها فضای مجازی است. فضایی که با پنهان ماندن هویت و عدم قانونمندی افراد به راحتی هنجارهای دنیای واقعی را شکسته و در برآوردن امیال ضد انسانی خود گام برمی دارند. در دنیای معاصر که بیشتر ارتباطات و فعالیت‌های افراد به نوعی وابسته به استفاده از اینترنت و عضویت در دنیای مجازی است بسیاری از افراد نابه هنجار با حضور در این فضا سعی در آسیب رساندن به زنان بعنوان قشر آسیب پذیر می کنند. طی چند سال گذشته با توسعه کشورها و تحقق رویای دهکده جهانی این تکنولوژی در کنار آثار مثبتی که برای جهانیان داشته معایبی را هم به همراه داشته است. یکی از این معایب که امروزه به علت فراگیر شدن توجه جهانیان و حتی سازمان ملل را به خود جلب کرده است پدیده خشونت در فضای مجازی است. زنان که نیمی از جمعیت جوامع را به خود اختصاص می دهند در دنیای مجازی هم به مثابه جهان واقعی حضوری پررنگ دارند اما برخلاف تمام تلاشهایی که سازمانهای بین المللی و دولتها در ارتقای جایگاه زنان و ایجاد برابری جنسیتی در دنیای واقعی داشته اند در دنیای مجازی به علت عدم قانونمندی و نبودن قدرت نظارت بر افراد چنین برابری وجود نداشته و حتی زنان بیشتر از دنیای واقعی هدف خشونت قرار میگیرند. زنان در فضای مجازی با انواع مختلفی از خشونت از فحاشی و تحقیر تا تهدید و آزار و اذیت جنسی روبه رو هستند. افزایش روز افزون خشونت مجازی علیه زنان در سطح جهانی نگرانی جوامع را برانگیخته و زنگ خطری را برای سازمانهای حامی زنان به صدا درآورده است. اهمیت بررسی علل این افزایش خشونت از آنجاست که زنان نیمی از جمعیت جوامع بشری را به خود اختصاص می دهند. حضور زنان در دهه های اخیر در عرصه های مختلف فعالیت های اجتماعی و اقتصادی موجب شده است تا نقش اساسی آنها در تکامل و پیشرفت جوامع برجسته تر از گذشته شود. زنان و دختران جامعه امروز مادران نسل آینده خواهند بود این زنان و دختران برای تربیت نسلی پویا و سالم نیاز به امنیت و آرامش در جهت رشد و بالندگی دارند چه در دنیای واقعی چه در دنیای مجازی. دنیای که با گذر زمان حضور افراد در آن پررنگ تر از دنیای واقعی خواهد بود. در پی همین نقش آفرینی زنان در تکامل جوامع باعث شد تا دولتها در پی ایجاد نهادهایی برای حمایت از زنان برآیند. سازمان های مختلفی از جمله نهاد زنان ملل متحد که با اقدامات خود سعی در ارتقای جایگاه زنان در جهان و ایجاد برابری جنسیتی داشته اند و تلاشهای این سازمانها تا حدودی توانسته است جایگاه زنان را در جوامع تغییر داده و فضایی نسبتاً امن را برای حضور بیشتر زنان در عرصه های مختلف به ارمغان بیاورد اما سوال اصلی که مقاله حاضر به



دنبال پاسخگویی به آن است این است که: چرا برخلاف ارتقای جایگاه جنسیتی زنان خشونت علیه زنان در فضای مجازی در حال افزایش است؟ در دنیای امروز که بسیاری از فعالیتهای علمی و صنعتی در ارتباطات تنگاتنگ با اینترنت و فضای مجازی است زنان که نیمی از جمعیت جهان را به خود اختصاص میدهند اگر به علت ناامنی در فضای مجازی نتوانند آنگونه که شایسته است حضور داشته و نقش آفرینی کنند جهان با مشکلی بزرگ برخورد خواهد کرد زیرا به جرات می توان گفت نیمی از جامعه فلج خواهد شد و حرکت رو به رشد جهان به کندی پیش خواهد رفت.

"زنان چه در دنیای واقعی چه در فضای مجازی نیاز به امنیت دارند اما متأسفانه گاهی این نیاز امنیتی در فضای سایر نادیده گرفته می شود. از مصادیق ناامنی خشونت های کلامی و نوشتاریست که از طریق چت و اینترنت به صورت حملات نوشتاری و به کارگیری کلمات رکیک و آزار دهنده علیه زنان و یا حتی تخریب و حمله به سایت زنان جهت اعمال خشونت و ابراز قدرت علیه آنان صورت می گیرد، وجود تصاویر مستهجن و پورنوگرافیک در اینترنت به مردان می آموزد که زنان موجوداتی آسیب پذیرند و باید مورد سوء استفاده و پرخاشگری، تجاوز جنسی و آزار باشند فعالیت های پورنوگرافیک علامت تداوم سیستم مرد سالاریست زیرا این مردان هستند که آشکار و پنهان میل به برتری خود را با سوء استفاده جنسی از زنان نشان می دهند، این تصاویر زنان را مطیع و تسلیم پذیر نشان می دهد. خشونت و سکس دست مایه اصلی تصاویر پورنوگرافیک است در اغلب این تصاویر مردان در حالت غلبه و تسلط بر زن هستند و صحنه هایی که زن را در موقعیت خوار و پست نمایش می دهد"^۱ خشونت حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی و یا غیر فیزیکی فرد خشن خواسته خود را به دیگران تحمیل می کند. خشونت ممکن است در اثر خشم اتفاق افتد. خشونت از نظر لغوی به معنای خشکی، تندی و سختی است.^۲ در سال ۱۹۹۳ بیانیه حذف خشونت علیه زنان در سازمان ملل این تعریف را برای خشونت علیه زنان بیان کرد؛ به هر نوع اقدام خشونت آمیز که به آسیب بدنی، جنسی یا روانی در زنان منجر شود (یا احتمال بروز آن زیاد شود) برای زنان رنج آور بوده یا به محرومیت اجباری از آزادی فردی یا اجتماعی منجر شود. خشونت علیه زنان اصطلاحی تخصصی است که برای توصیف کلی کارهای خشونت آمیز علیه زنان به کار می رود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را "هرگونه عمل خشونت آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به



۱. میر حسینی، مریم، (کج روی های اینترنتی؛ لزوم نظارت و محدود کردن دسترسی به اطلاعات)، فصلنامه رسانه، ۱۳۸۵.

۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، چاپ اول (دوره جدید)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران



آسیب فیزیکی؛ جنسی یا روانی زنان بشود" تعریف کرده است که شامل «تهدید به این کارها، اعمال اجبار، یا سلب مستبدانه، آزادی (چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی)» می‌شود.

در تعریفی از خشونت چنین آمده است: خشونت را می‌توان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و صرفاً جنبه فیزیکی (برخی افراد، بلکه ممکن است ابعاد روانی؛ فحاشی، تحقیر، مزوی کردن فرد، داد و فریاد، آزار و مزاحمت، جنسی و تجاوز)، اقتصادی (شکستن وسایل خانه و...) و سیاسی را به خود بگیرد.^۱

خشونت سایبری بروز آسیب‌های روانی و یا تحریک دیگران برای انجام خشونت‌های فیزیکی علیه دیگران که نتیجه نقض قوانین حقوقی حفاظت فردی است. خشونت مدنظر در این مقاله عملی آسیب زننده در فضای مجازی است که با اعمال فیزیکی صدمات فیزیکی و روانی را به قربانی وارد می‌سازد نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که در این نوع از خشونت اصلی ترین فکتور در تعریف آن فضای است که در آن فرد مورد هجمه قرار می‌گیرد. در تعاریف ارائه شده بالا تمامی صدمات در فضای واقعی به قربانی وارد می‌شود ولی در این تعریف مبدا ورود صدمه فضای مجازی است.

بخش اول: بررسی مبانی، دیدگاه‌ها و نظریات مختلف

فلاسفه و دانشمندان هر یک به فراخور دیدگاه خود انسان را تعریف کرده اند. براساس این تعاریف؛ یکی از ویژگیهای او را در نظر گرفته اند مانند تفکر، نطق، اجتماعی بودن، خنده و... در یکی از تعاریف، الیوت ارنسون می‌گوید: انسان، حیوان پرخاشگر و ستیزه جوست. با این تعریف این سؤال مطرح می‌شود آیا واقعا پرخاشگری در انسان فطری است و در ذات او موجود است؟ یادگیری تا چه حد در پرخاشگری مؤثر است؟

ژان ژاک روسو می‌گوید: انسان در محیط طبیعی، موجودی مهربان، شاد و خوب است. قیود اجتماعی او را مجبور به پرخاشگری و فساد می‌کند این نظریه و نمونه‌های دیگر به جنبه اکتسابی یادگیری پرخاشگری تأکید دارند همچنانکه فرزند خانواده خشن هرگز مهربان و صبور نخواهد بود. بسیاری از اندیشمندان از جمله پروفیسور عدل معتقد بوده‌اند که انسان در محیط طبیعی خشن و بی‌رحم است و تنها برقراری نظم و تربیت در جامعه می‌تواند او را مهار کند و یا سبب تصعید غرایز طبیعی پرخاشگرانه او بشود. نوربرت الیاس، جامعه‌شناس آلمانی در کتاب فرآیند تمدن (۱۹۳۹) چنین بیان می‌کند که در تمدنهای ابتدایی بشری،

۳. کار، مهرانگیزه، (حقوق و خشونت)، مجله کیان، سال هشتم، ۱۳۷۸، ص ۱۵.

استفاده از زور و اجبار عاملی بود که افراد در جامعه را مجبور به قبول حقوق و حد و مرز زندگی دیگران می‌کرد. این تعریف از متدین بودن را می‌توان تا حد قابل قبولی به مفهوم «تقوا» منطبق دانست که در ادیان الهی نسبت به آن تأکید بسیار شده است. نتیجه اینکه متدین بودن و تقوا داشتن عامل مهمی در رعایت حقوق، مدارا و پرهیز از رفتار خشونت آمیز با دیگران است. واقعیت نیز چنین است که شخص هنگامی از روشهای خشونت گرایانه استفاده می‌کند که نتوانسته باشد دیگران را تحمل کند و در مواجه شدن با دیگران برای رعایت و تحمل دیگری، ترمزهای درونش عمل نکنند.

نوربرت الیاس معتقد است که خشونت پدیده‌ای است که در فرآیند اجتماعی شدن آموخته می‌شود و از آنجایی که عدم خشونت ورزی به سطح تمدن جامعه و رشد فرهنگ احترام به شخصیت و عقاید دیگران و روشهای زندگی و شیوه‌های رفتاری دیگری و شکل‌گیری فرهنگ دموکراسی در جامعه مربوط است به نظر می‌رسد که محو خشونت ممکن نیست مگر آنکه در همه نهادهای رسمی و غیررسمی (مانند مدرسه و خانواده) خرد و کلان جامعه تغییر و تحولی بنیادین و مستمر و پایدار صورت گیرد، تنها در این صورت فرهنگ خشونت ورزی جای خود را به مدارای اجتماعی خواهد سپرد.

بخش دوم: نظریه خشونت ذاتی

یکی از قدیمی‌ترین تبیین‌های نظری در باب خشونت، نظریه خشونت ذاتی است که رویکرد غریزی به خشونت دارد و تأکید می‌کند موجودات انسانی برای بروز رفتارهای خشن، از پیش به طور ذاتی برنامه‌ریزی شده‌اند. از جمله حامیان این نظریه، زیگموند فروید است. مطابق این تئوری نحوه انگیزش نیروهای درونی توسط «خود» شکل می‌گیرد. تأکید بر «خود» از آن جهت می‌باشد که «خود» اولین سازوکار کنترل در مقابل ظهور انگیزه‌ها و رفتارهای خشونت آمیز است.

گونداد لورنس (۱۹۹۶) دیدگاهی شبیه خشونت ذاتی دارد که منشأ بروز خشونت انسانی را گزینه جنگ طلبی انسان می‌داند. به اعتقاد او این گزینه در طی دوره تکامل انسانی توسعه می‌یابد و علت این امر سودمندی خشونت برای بقای انسان می‌باشد. در نظریه‌هایی که خشونت را ناشی از تمایلات و خواسته‌های درونی می‌داند، امکان پیشگیری خشونت انسانی وجود ندارد، لذا نفی و نابودی چنین خشونتی امکان‌پذیر نیست و صرفاً این خشونت را می‌توان کانالیزه نمود تا آسیب کمتری به دیگران وارد شود.^۱

۴. محبی، فاطمه، (آسیب‌شناسی اجتماعی)، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۴، ۱۳۸۹.



بخش سوم: بررسی نظریه یادگیری اجتماعی

عده‌ای دیگر در مقابل ذاتی بودن پرخاشگری اعتقاد دارند که فکر ذاتی بودن پرخاشگری برای انسان خطرناک و مخرب است زیرا داشتن چنین فکری سبب می‌شود که پرخاشگری مانند میل به غذا یک واکنش اجتناب‌ناپذیر تلقی شود بنابراین انسان در کنترل یا کاهش آن نمی‌تواند نقش داشته باشد بنابراین این دیدگاه مبتنی بر یادگیری است. یعنی رفتارهای انسان تابع یادگیری و شرائط و موقعیت‌های بیرونی است. یادگیری از طرق مختلف همچون مشاهده، تقلید، شرطی سازی حاصل می‌شود. از نظر این دیدگاه پرخاشگری ذاتی نیست بلکه اکتسابی است و از تعامل بین اعضای خانواده و جامعه کسب می‌شود. در این راستا نقش تعلیم و تربیت، خانواده، محیط اجتماعی، رسانه‌های گروهی بسیار با اهمیت است. بخش اعظم تحقیقات از چشم انداز یادگیری اجتماعی صورت گرفته است. بیشتر روان‌شناسان نقطه نظر تیره و بدبینانه پرخاشگری «طبیعت آدمی» را نمی‌پذیرند. آنان در عوض اهمیت عوامل محیطی، اجتماعی و یادگیری را در تنظیم رفتار پرخاشگرانه مورد تأکید قرار می‌دهند (باندورا، ۱۹۸۳، بارون، ۱۹۷۷، برکووتیس، ۱۹۶۲) همچنین این گروه دلایل فراوانی را مبتنی بر اینکه پرخاشگری منشاء غریزی و ذاتی نمی‌تواند داشته باشد ارائه داده‌اند به همین دلیل از نظر اجتماعی هم قابل آموزش هم قابل پیشگیری و کنترل است.

بخش چهارم: تئوری ناکامی - پرخاشگری

این تئوری که از معروف ترین و رایج ترین نظریه‌ها درباره خشونت و پرخاشگری است، ناکامی را به عنوان عامل به وجود آورنده تمایلات پرخاشگرایانه در نظر می‌گیرد. تئوری ناکامی-پرخاشگری مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به طور عمده ملهم از یک سائق بیرونی برای آسیب وارد کردن به دیگران در نظر می‌گیرد. این رهیافت در چند تئوری مختلف منعکس شده است که جملگی بر این باورند شرایط بیرونی مانند ناکامی، فقدان وجهه و احساس اجحاف، سائقی نیرومند برای ایجاد رفتار آسیب‌زا محسوب می‌شود. پذیرفته شده ترین تئوری در این مجموعه تئوری موسوم به ناکامی-پرخاشگری است. در این تئوری پرخاشگری برآیند فرایندی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آن‌ها شکل می‌گیرد. با قبول نظریه یادگیری اجتماعی در ارتکاب خشونت می‌توانت مشاهده کرد که کودکانی که در سنین پایین شاهد خشونت در خانواده و محیط‌های دیگر هستند نسبت به کودکانی که در محیط خانوادگی آرامی رشد یافته‌اند مساعد بروز خشونت در سن بزرگسالی هستند.



بخش پنجم: بررسی علل خشونت علیه زنان

بند اول: تغییر ساختار خانواده

تغییر شکل خانواده از خانواده های سنتی و هسته ای گذشته به سوی خانواده های پراکنده و گاه تک والدی موجب بروز مشکلاتی در تربیت فرزندان شده است. خانواده ای در گذشته شامل پدر و مادر در راس هرم خانواده و بعد از آنها فرزندان به عنوان ضلعهای این هرم محسوب می شدند اما امروزه به علل گوناگون خانواده ها دیگر انسجام و همبستگی گذشته را ندارند. طلاق عاطفی والدین و جدا زندگی کردن آنها از هم یکی از اشکال جدید زندگی های امروز است. خانواده ای که باید بستری آرام را برای رشد و بالندگی فرزندان فراهم کند عرصه رقابت های گاه و بیگاه والدین میشود و فرزندان که در چنین فضای ناآرامی رشد می کنند هیچگاه نمیتوانند در آینده از سلامت روانی قابل قبولی در جامعه برخوردار باشند. شکل خانواده ها از هسته ای بودن و حضور هماهنگ والدین در کنار هم امروزه به خانواده های با حضور ناهماهنگ و اغلب تک والدینی تغییر یافته است. از دیدگاه نظریه ((یادگیری اجتماعی)) در خانواده هایی که اعضای آن در دوران کودکی شاهد خشونت والدین خود بوده یا آن را تجربه کرده اند، احتمال بروز خشونت بیشتری وجود دارد. این نظریه به سابقه مشاهده و تجربه خشونت در خانواده اشاره دارد. همچنین این تجربه می تواند از طریق محتوایی که رسانه ارائه می کند شکل گرفته و به مرور زمان تقویت شود. "از نظر کوئن با صنعتی شدن جوامع، ساخت، کارکردها و اقتدار خانواده دچار دگرگونی عظیمی شده است و مهمترین پیامد گذار از خانواده سنتی به خانواده صنعتی شهری، جانشینی خانواده هسته ای به جای خانواده گسترده بوده است. در نتیجه خانواده نقش خود در تربیت اجتماعی فرزندان را به مدارس و آموزشگاه ها واگذار کرد و می توان گفت روابط سودجویی بجای مهرجویی و منفعت در مقابل اخلاق قرار گرفت و خانواده با کارکردهای گذشته اش به حاشیه رانده شد!"

بند دوم: تغییر جایگاه والدین

با صنعتی شدن جوامع و فراهم شدن عرصه حضور زنان در کنار مردان در عرصه های مختلف فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی جایگاه والدین به مرور تغییر یافت. زنان که در تقسیم وظایف خانوادگی تربیت فرزندان و فراهم نمودن محیط امن و آرام برای اعضای خانواده را برعهده داشتند با حضور در عرصه فعالیت اقتصادی نیمی از قدرت و وقت خود را در عرصه اقتصاد صرف میکنند و مثل گذشته فرصت و توان



رسیدگی به امور خانه و خانواده را ندارد. زنان به علت ظرافت داشتن و نسبت به مردان با حضور مستمر در اجتماع زودتر از مردان خسته و شکسته میشوند همین زنان که مادران جامعه را تشکیل می دهند وقتی در اجتماع با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کنند دیگر توانی برای پاسگویی به نیازهای عاطفی فرزندان و همسر را ندارند همین کم توجهی ناشی از خستگی موجب بروز کشمکش و نارضایتی افراد خانواده شده و در نهایت خانه که محل آرامش است را به میدان نبرد مبدل می سازد. "نقش های سنتی مرد، زن و فرزندان در درون خانواده دچار تحول شده است. نقش تعیین کننده مرد در معیشت از انحصار او بیرون آمده و با ورود انبوه زنان به کارهای خارج از خانه، قدرت چانه زنی آنها افزایش یافته است" ^۱ فرزندی که در کنار مادر به آرامش دست نمی ابد سعی می کند احساسات خود را در مکانی دیگر ابراز کند و چه مکانی بهتر از دنیای مجازی که هم بی نهایت گسترده است و هم پاسخگوی بسیاری از نیازهای نامعقول.

بند سوم: مشکلات اقتصادی

یکی دیگر از عوامل بروز خشونت در افراد ریشه اقتصادی دارد. با تکامل هر چه بیشتر جوامع هزینه های زندگی هم بیشتر شده است دیگر مثل گذشته ها نیست که خانواده ها خود کفا باشند و به تنهایی بتوانند برای رفع نیازهای خود تلاش کنند همین امر سبب شده است تا زنان هم در کنار مردان پایه عرصه فعالیت بگذارند. وقتی زنان نیمی از قدرت و توان خود را در بیرون از خانه صرف می کنند نقش مادرانه آنها نسبت به فرزندان کم رنگتر از قبل می شود. مادر دیگر نه وقت و نه توان کافی برای همراهی با فرزند خود را دارد البته تنها مادران را نمی توان مسئول تربیت فرزندان خطاب کرد زیرا مردان هم به همان اندازه در رشد کودکان سهم هستند اما زنان به علت حضور مداومتر در کنار فرزندان نقش مهمتری را ایفا میکنند. وقتی مادری که تکیه گاه و بهترین شخص برای آگاهی فرزند از نحوه ارتباط با دنیای پیش روست دیگر توان و وقت لازم را برای کودک ندارد کودک خود هرآنچه را که می بیند می آموزد زیرا کسی که باید او را راهنمایی کند وجود نداشته یا وجودش تاثیرگذار نخواهد بود و این کودک خیلی زودتر از اقتضای سن خود با چیزهای آشنا میشود که تاثیرات منفی بر روح و روان او خواهد گذاشت. راحتی دسترسی به اینترنت یکی از اصلیترین معضلات اجتماعی است زیرا کودک ترد شده از خانواده راحت به سوی فضایی کشیده می شود که می تواند بدون احساس سرخوردگی ناشی از شناخته شدن نیازهای گوناگون خود را برطرف کند.



بند چهارم: بالا رفتن سن ازدواج

حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و استفاده از استعداد زنان در عرصه های مختلف موجب شد تا جهان سریعتر از گذشته راه پیشرفت را طی کند. اما در کنار تمامی محسنات این حضور مشکلاتی هم به همراه داشت که این مشکلات رفته رفته دامن اجتماع را گرفت. امری که امروزه نه تنها جامعه ایران بلکه جامعه جهانی را درگیر ساخته بالا رفتن سن ازدواج است. زنان با داشتن استقلال مالی و حضور پایاپای مردان در جامعه دیگر کمتر از گذشته نیاز به حضور یک مرد را به عنوان حامی و پشتیبان حس می کنند. همین عدم نیاز به حضور شریک زندگی باعث شده تا تمایل به ازدواج در زنان و به نوبه خود مردان کاهش یابد این عدم تمایل موجب میشود که افراد و به خصوص مردان سعی در رفع نیاز جنسی خود کرده و از طریق غیر از ازدواج در پی رفع نیاز خود باشند. وجود اینترنت و ظهور پدیده پرنوگرافی در فضای مجازی راهی مناسب و آسان را پیش روی افراد باز کرده است که متاسفانه تبعات بسیار سنگینی را بردوش جامعه و خانواده ها متحمل داشته است. فضای مجازی با داشتن مزایای مثل دسترسی آسان بی نهایت بودن، پنهان ماندن هویت، جذابیت فضا و کم هزینه بودن و بسیاری دیگر از این امور مکانی مناسب برای برطرف کردن امیال افراد خواهد بود. بسیاری از افرادی که روزانه میزان قابل توجهی از وقت خود را صرف حضور در فضای مجازی می کنند بارها و بارها با تصاویر مستهجن برخورد می کنند که همین تصاویر خود محرکی برای جذب افراد به سوی مسائل جنسی است. مسائل و نیازهایی که اگر در بستر خانواده و با ازدواج به موقع رفع گردد چه بسا هم آرامشی بیشتر و ماندگار تر را به همراه خ. واهد داشت و هم اجتماعی امن را به وجود میاورد. در این فضا به خاطر جذابیت بیشتر زنان از آنها استفاده ابزاری می شود. با افزایش روز افزون مسائل جنسی در فضاهای مجازی بسیاری از زنان که به علل مختلف در فضا حضور دارند مورد هجوم انواع مختلفی از تقاضاها و تهدیدات جنسی قرار می گیرند. همانطور که در تعریف خشونت نیز خاطر نشان کردیم خشونت شامل دو بعد فیزیکی و روانی است. گاهی صدمات ناشی از خشونت روان فرد را هدف قرار می دهد. زنان در فضای مجازی بیشتر از دنیای واقعی مورد اذیت و آزار جنسی واقع می شوند که همین امر تاثیرات غیر قابل انکاری را بر روان زنان به جای می گذارد. "تحقیقات نشان دهنده بالا رفتن میزان طلاق و جدایی، به تاخیر افتادن سن ازدواج دختران و تولد نخستین فرزند آنها، محدود شدن تعداد فرزندان، افزایش تعداد و نسبت زنان دارای تحصیلات عالی و نشان دهنده تغییرات پدید آمده در نهاد خانواده است."^۱



بند پنجم: خشونت در رسانه‌های جمعی

مطالعات کاربردی در ایالات متحده آمریکا حاکی از آن است که جوانان در معرض بیش از ۴۰۰۰۰ مورد مرگ و میر و خشونت صدها هزار مورد عواقب غیرکشنده دیگر قرار دارند و تخمین زده می‌شود که اگر تلویزیون هرگز اختراع نشده بود، در این صورت ۷۰۰۰۰۰ مورد خشونت و تعرض در هر سال در آمریکا کاهش می‌یافت. مطالعات و بررسی در کشورهای آمریکا، استرالیا، فنلاند و لهستان نشان می‌دهد، بچه‌هایی که بیشتر پرخاشگر و متعرض هستند نسبت به آنها که کمتر پرخاشگرند، بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند و برنامه‌های خشونت‌آمیز را ترجیح داده و به خشونت به عنوان موضوع واقعی‌تر بها می‌دهند. آنها همچنین به افراد بالغی تبدیل می‌شوند که احتمال ارتکاب جنایات جدی و رفتار پرخاشگرانه در جامعه و در خانه‌هایشان زیاد است. کارشناسان و متخصصان اکنون به تاثیر جمعی سرگرمی‌های خشن به عنوان یک "عامل خطر" توجه دارند که موجب افزایش حالت پرخاش و حملات فردی می‌شود. "پخش صحنه‌های خشن در فیلم‌های سینمایی رفتار خشن را در افراد برمی‌انگیزد چرا که خشونت، تمایل به خشونت را کاهش نمی‌دهد بلکه خشونت موجد خشونت است، مشاهده خشونت در تلویزیون موجب افزایش پرخاشگری در میان تماشاگران می‌گردد."^۱

بند ششم: رفتار زنان در جامعه

مساله بدحجابی امروزه یک مساله ملی و منطقه‌ای نیست بلکه مشکلی جهانی است. تغییر نوع فرهنگ پوششی در جوامع یکی از علل آسیب‌های اجتماعی و انحرافات نوجوان است. پوشیدن لباس‌های کوتاه و چسبیده و حضور در اماکن عمومی موجب شده است تا زنان به ظلمی پنهان علیه خود دست زنند. زنان و دختران با این نوع پوشش خود را به مثابه یک ابزار جنسی برای ارضای غریزه مردان معرفی می‌کنند همین موجب شده است تا دیدگاه برخی از جوانان نسبت به زنان عوض شده و تنها مزیت زنان را ارضای جنسی مردان بشمار آورند. همین امر موجب می‌شود تا کسانی که در دنیای واقعی موفق به کامیابی از دختران و زنان نشده‌اند در فضای مجازی بدون ترس آنان را مورد آزار و اذیت جنسی قرار دهند. فضای مجازی با پنهان ماندن هویت شخص راحت‌ترین راه ممکن را برای مردان در جهت ارضای غرایض جنسی باز کرده است.



۱۱. ارنسون، الیوت، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکر کن، انتشارات رشد، ۱۳۶۹.

در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه تحقیقاتی آلبرتا، ۴۰ درصد مردان پوشش زننده و تحریک‌آمیز زنان در اجتماع به خصوص کلوپ‌های شبانه را به عنوان دلیلی برای رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی دانسته اند. از سوی دیگر، درصدی از مردان رفتارهای تحریک‌آمیز همچون رقص زنان در کلوپ‌های شبانه را دلیلی برای راضی بودن زنان به برقراری رابطه جنسی معرفی کرده اند. در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه Opinion Matter انگلیس، قرار گرفتن زنان با لباس محرک در کنار مردان، تنها شدن زن با مرد در مکانهای خاص، نوشیدن مشروبات الکلی زن همراه با مرد، رقص تحریک‌آمیز زنان در کنار مردان، همه نمونه‌هایی از دلایل تحریک شدن مردان برای تجاوز و یا سوءاستفاده جنسی از زنان است

بند هفتم: الگوی تربیتی نامناسب

خانواده‌های مساوات طلب و سهل‌گیر و بی‌بندوبار: در این خانواده‌ها به خاطر آزادی عمل بسیار فرزندان نفس بچه‌ها بیش از حد رشد می‌کند لذا هر چه دلش می‌خواهد دنبالش می‌رود و چون امکانات محیطی و فرهنگی و غیره به او اجازه نمی‌دهد که دلخواهش را انجام بدهد. پس زمینه انحراف پیدا می‌شود، اعتیادات، بزهکاری‌ها، پرخاشگری‌ها فراوان دیده می‌شود. خانواده‌های خودکامه و مقتدر: گرچه این دو نوع الگوی تربیتی در محیط خانواده گاهی سبب پرورش فرزندان می‌شود که بدون چون و چرا مطیع والدین هستند لکن در موارد زیادی هم سبب به وجود آمدن روحیه سرپیچی، تضادورزی، مخالفت و پرخاشگری در فرزندان می‌گردد. «به ویژه در دوران نوجوانی به بعد، چون در این دوره نوجوان خودش را می‌باید و می‌فهمد که پدر و مادر زور می‌گویند بنابراین سرپیچی می‌نماید، و ضدیت و مخالفت و در نهایت احتمالا فرار می‌نماید»^۱

بند هشتم: امنیت سایبری

از بین بردن تهدیدات سایبری امری غیرممکن به نظر می‌رسد، بنابراین حفاظت از اطلاعات و داده‌ها در برابر آنها بدون اینکه اختلالی در رشد و نوآوری ایجاد شود یک مساله مهم به شمار می‌رود. وجود افراد بی‌اطلاع، سهولت در برقراری ارتباط، ناشناس بودن و... اینترنت را بستری مناسب برای فعالیت مجرمین کرده است. پایین بودن سطح امنیت دز فضای مجازی راهی مناسب برای نفوذ افراد سودجو است. بسیاری از

۱۲. مقتدایی، زینب، (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جدید ارتباطات)، سایت خبری فارس نیوز، ۱۳۹۳.

۱۳. زنجانی‌زاده، هما، (بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان)، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم،





زنان که در راستای فعالیتهای روزانه خود در این فضا حضور دارند توسط افرادی که اطلاعات محرمانه آنها را هک کرده اند مورد تهدید و انواع مختلف آزار و اذیت قرار می گیرند.

ابراز خشم در شبکه های اجتماعی اغلب به عنوان روشی برای تخلیه احساسات در نظر گرفته می شود. افراد فکر می کنند که با ابزار خشم خود در شبکه های مجازی حتی برای لحظه ای آرام می شوند. شبکه ها اجتماعی این امکان را به ما می دهد که پیش از آنکه فرصتی برای آرام شدن به خودمان دهیم، ناراحتی خود را در اولین فرصت به اشتراک بگذاریم و آن را منتشر کنیم، اما معمولاً این مسئله موجب تشدید خشم و گسترش آن می شود. اغلب متأسفانه مردان حتی در فضای مجازی هم باور برتری جنسیتی خود را بروز می دهند و خشونت خود را در برخورد با زنان در این فضا به نمایش می گذارند و زنان را بهترین گزینه برای تخلیه خشم خود انتخاب می کنند.

بند نهم: توسعه نامتناسب:

اسماعیلی قدیمی استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی در گفت و گو با هفته نامه «عصر ارتباط» ریشه بروز بی اخلاقی در فضای مجازی و گسترش آن در شبکه های اجتماعی را عدم تناسب در توسعه می داند و توضیح می دهد: «واقعیت این است که وقتی نظام های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی توسعه پیدا می کنند، همانطور که گیدنز، جامعه شناس معروف می گوید باید سیستم های کنترلی و نظارتی هم توسعه پیدا کند و در واقع نمی توان سازمان ها را براساس عقل و منطق گسترش داد اما به فکر توسعه مکانیزم های کنترلی و نظارت نبود.»^۱

بخش ششم: بررسی یافته ها

دانشگاه مریلند آمریکا نیز در تحقیقی دانشگاهی در سال (۲۰۱۴) عنوان کرده بود که کاربران زن به طور متوسط ۲۵ برابر بیشتر از کاربران مرد با پیام های تهدیدگر، فحاشی، پیغام های با کلمات رکیک و جنسیت زده و خشونت کلامی مواجه می شوند. دست کم ۸۷ درصد کاربران زن با کامنت های جنسیت زده مواجه شده و تهدید جنسی دریافت کرده اند و قربانیان این آزار نیز بیشتر زنان بین ۱۸ تا ۳۰ ساله بوده اند. اما چگونه این اتفاق افتاده است؟

بعضی از نظریه پردازان بیان می کنند: «زنان در برخورد با نگرش های کلیشه ای در محیط های رام اینترنت، به شیوه هایی عمل می کنند، تا «برهم کنش» انجام دهند با این همه، اینترنت جایگاه محیط های کینه توزانه تری

۱۵. پایگاه خبری دانشگاه علامه طباطبایی، کد خبر ۳۲۸۰۱، فروردین ۱۳۹۵.

است و در پاره‌ای از آنها، زنان به گونه ویژه‌ای آسیب‌پذیرند و احساس ناراحتی می‌کنند.» زیرا مردان به تعبیر، رویکردی پرخاشگرانه و پیشی‌طلبانه دارند.^{۱۶}

گزارشی توسط کمیسیون «Broadband» سازمان ملل متحد منتشر شده است که مطابق آن حدود یک سوم زنان به صورت آنلاین در معرض برخی از اشکال خشونت سایبری اعلام شده‌اند و به این ترتیب دولت‌ها و بخش صنعتی ملزم به اقدام مؤثر و بیشتر برای حمایت از زنان و دختران در مقابل تهدیدات و اذیت و آزارهای سایبری شده‌اند. سازمان ملل می‌گوید خشونت علیه زنان اشکال نوظهوری پیدا کرده و اینترنت به فضای تازه‌ای برای خشونت علیه زنان تبدیل شده است.

این سازمان در گزارش خود که همزمان با نشست کمیسیون جایگاه زن در نیویورک منتشر شده می‌گوید: "در شرایطی که گروه‌هایی از زنان تلاش می‌کنند خشونت علیه زنان بر اساس قانون جرم تلقی شود و تجاوز جنسی از سوی همسران هنوز در بسیاری از کشورها مجاز است، خشونت در فضای مجازی هم رواج پیدا کرده از جمله زنان در توئیتر تهدید به تجاوز می‌شوند."

سازمان ملل اعلام کرده میزان خشونت علیه زنان به طرز نگران‌کننده‌ای بسیار بالاست. گزارش سازمان ملل نشان می‌دهد که اگرچه وضع زنان در زمینه بهداشت و آموزش بهتر شده؛ اما هنوز خشونت علیه آنها ادامه دارد. گزارش سازمان ملل می‌گوید ۳۵ درصد زنان جهان یعنی بیشتر از یک سوم آن‌ها در زندگی شان خشونت فیزیکی، جنسی یا هر دو را تجربه کرده‌اند.

این گزارش سازمان ملل متحد پرده از واقعیت تکان‌دهنده‌ای در زمینه خشونت علیه زنان برمی‌دارد؛ واقعیتی که اگر به دقت به آن نگاه شود به آسانی قابل درک است که چه گروه‌ها و کشورهایی و چگونه اینترنت و تکنولوژی‌های ارتباطی را به دستمایه‌ای برای خشونت علیه زنان تبدیل کرده‌اند. اینکه زنان در توئیتر تهدید به تجاوز می‌شوند، از نظر سازمان ملل متحد، نوعی خشونت علیه زنان در فضای مجازی ارزیابی شده است و بدون شک، این در جای خود نوعی خشونت علیه زنان محسوب می‌شود؛ اما از آنجا که هر تهدیدی لزوماً به اجرای عملی آن، منجر نمی‌شود؛ بنابراین، این خشونت به اندازه دیگر موارد خشونت علیه زنان که با استفاده از اینترنت و تکنولوژی مدرن صورت می‌گیرد، نمی‌تواند دارای پیامدهای جدی باشد؛ مواردی که شاید حتی در گزارش سازمان ملل نیز نیامده و عمداً یا سهواً به آن توجهی صورت نگرفته است.



۱۶. ولش، پاتریشیا، روانشناسی اینترنت، ترجمه بهنام اوحدی، نشر نقش خورشید، ۱۳۸۲.



امروز خشونت اینترنتی علیه زنان، به امری رایج تبدیل شده است. براساس تحقیقات دانشگاه جورجیا درباره «خشونت اینترنتی علیه زنان»، بسیاری از مردان اینترنت را قلمرو خود می‌دانند و میل به سرکوب زنانی دارند که وارد قلمرو آنها می‌شوند. این میل در محیط‌های واقعی هم در مردان دیده می‌شود، اما در دنیای واقعی بسیاری از مناسبات به مردان اجازه سرکوبگری نمی‌دهد؛ در حالی که ناشناس بودن در دنیای مجازی، راه را برای آزار و اذیت پشت هویت‌های مجازی باز می‌گذارد.

گرچه به لحاظ روحی نیز، گشت و گذار در دنیای اینترنت می‌تواند بی‌تأثیر نباشد، اما زیادی آمار خشونت‌ها و جرم و جنایت نمی‌تواند بی‌ربط با آن باشد. در یک آمار جهانی که به تازگی منتشر شده است، گفته شده که افزایش ۳۰ درصدی جرم و جنایت، تجاوز و خشونت، در نتیجه مراجعه افراد به سایت‌های ضداخلاقی است.

از سوی دیگر، حضور در سایت‌های هرزه‌نگاری منجر به رفتارهای عملی از سوی نوجوانان و جوانان می‌گردد. تعداد قربانیان اینترنت در میان جوانان تعجب‌آور و غیر قابل قبول است. نتایج تحقیق و مطالعه دیوید فینکلور، کیمبرلی جی میشل و جانیس واکر از مرکز ملی مطالعات قربانیان نوجوان الکساندریا در سایت از ۱۰۵۱ نوجوان ۱۰ تا ۱۷ ساله آمریکایی که از اینترنت استفاده می‌کنند نشان می‌دهد: از یک نفر از هر ۵ نفر در سال گذشته، حداقل یک بار تقاضای سکس شده است.

از یک نفر از هر ۳۳ نفر، تقاضای ملاقات حضوری و یا درخواست مکالمه تلفنی شده است.

به یک نفر از هر ۴ نفر عکس‌های عریان نشان داده شده است.

یک نفر از هر ۱۷ نفر مورد تهدید و یا ارباب واقع شده است.

از ۱۰ درصد کسانی که تقاضای سکس شده است، تنها ۳ درصد به مسئولان گزارش شده است.

۱۴ درصد پسران و ۱۶ درصد دختران حداقل یک دوست صمیمی و یا یک رابطه عاشقانه آنلاین داشته‌اند. نتایج حاصله از این پژوهش نشان می‌دهد که حضور بدون نظارت والدین در اینترنت می‌تواند زمینه‌ساز گسترش ارتکاب رفتارهای جنسی در محدوده سنی که از لحاظ قانونی و عرفی پذیرفته شده نیست گردد.

بخش هفتم: آمار خشونت آنلاین در ایران

آخرین آمارها حاکی از آن است که ضریب نفوذ اینترنت در ایران ۷۴.۹۴ است. این نفوذ در سال‌های اخیر و به دلیل فراگیر شدن گوشی‌های هوشمند افزایش پیدا کرده است. تعداد درخور توجهی از کاربران اینترنت در ایران فقط عضو شبکه‌های اجتماعی موبایلی هستند؛ به گونه‌ای که ایران در این زمینه رکورددار محسوب می‌شود. برخی آمارها حاکی از آن است که حداقل چهار میلیون ایرانی عضو اینستاگرام هستند.

در مقابل، ایرانیان توییتری، کمتر از یک میلیون و تلگرامی ها چیزی حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر هستند. فیس بوک چیزی حدود ۱۰ میلیون ایرانی را به خود جذب کرده و دیگر شبکه های مجازی نیز شاهد فعالیت گسترده ایرانیان است.

اثرات روانی خشونت های مجازی در درازمدت نمود پیدا می کند. حتی شاید به دلیل برداشت های غلط در جامعه و تصور نادرستی که از بیماری روانی با ترس از «آبروریزی» در میان مردم وجود دارد، افراد هیچ گاه از رنجی که روح و روانشان متحمل می شود، سخنی به میان نیاورند. بنابراین اثرات روانی خشونت اینترنتی باری است که معمولاً قربانیان، به تنهایی به دوش می کشند...

ثریا عزیزپناه، فعال حوزه زنان، درباره فرهنگ استفاده از فضای مجازی در ایران می گوید: «در کشورهایی که فضای مجازی بدون فرهنگ سازی و قوانینی با ضمانت اجرائی در اختیار همگان قرار گرفته است، فضا برای شهروندان، به ویژه زنان و کودکان آسیب زاتر می شود. تهدید به بی آبرویی، پخش شدن و دست کاری عکس ها و اطلاعات شخصی، تهدید به ادامه مزاحمت، باج خواهی و حق سکوت و حتی در مواردی تهدید به مرگ، از جمله مسائلی است که به ویژه در کشورهایی نظیر ایران که فرهنگی سنتی در آن غالب است، زنان را بیشتر از مردان نگران می کند».

متأسفانه آمار حاکی از این است که زنان ایرانی از میان اقسام مختلف خشونت بیشتر از خشونت های فیزیکی و جسمی از خشونت های روانی و کلامی آسیب دیده اند. خشونت روانی و کلامی نوعی از خشونت است که در فضای مجازی با تحقیر و تمسخر جنسی زنان در کلام روان آنان را هدف قرار میدهد. سازمان بهداشت جهانی (WHO) نیز خشونت علیه زنان را به عنوان یک مساله مهم در بهداشت جهانی مورد بررسی قرار داده است. براساس تعریف این سازمان خشونت جنسی علیه زنان به عنوان عامل اصلی تهدید کننده سلامت و بهداشت فیزیکی و روانی زنان و در نهایت جامعه اعلام شده است. طبق آخرین آمار این سازمان بین ۱۵-۷۱٪ زنان در دنیا تجربه خشونت جنسی توسط یک شریک نزدیک را داشته اند که درصد احتمال ابتلا به ویروس ایدز را افزایش داده است. خشونت جنسی براساس تعریف این سازمان، شامل هر گونه عمل ناخواسته جنسی که تحمیل و زور را به دنبال داشته باشد می شود، بدون در نظر گرفتن رابطه بین دو فرد (اعم از خویشاوند، همسر و یا فرد غریبه) و در هر مکانی اعم از محل کار، خانه و یا هر جای دیگر.

در تعریف سازمان جهانی بهداشت توجهی به خشونت مجازی علیه زنان نشده است. آثار مخربی که خشونت مجازی بر روان زنان می گذارد کمتر از آثار ناشی از خشونت های فیزیکی نیست. آمارهای جهانی





حاکمی از آن است که بسیاری از زنان به علت تهدیدات جنسی و خشونت‌های جنسی در فضای مجازی دچار ترس از مردان و حتی گاهی مرتکب خودکشی ناشی از ترس آبروریزی شده‌اند. شاید اگر تعریف سازمان‌های بین‌المللی در برگیرنده خشونت مجازی هم باشد بتوان راهی برای کاهش این نوع از خشونت علیه زنان یافت.

در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه تحقیقاتی آلبرتا، ۴۰ درصد مردان پوشش زننده و تحریک‌آمیز زنان در اجتماع به خصوص کلپ‌های شبانه را به عنوان دلیلی برای رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی دانسته‌اند.

• لباس‌های محرک: ۲۹ درصد

• نوشیدن مشروبات الکلی: ۶۹ درصد

• اقدامات جنسی از سوی زنان: ۷۳ درصد

• رفتارهای تحریک‌آمیز از سوی زنان: ۲۱ درصد

• رقص تحریک‌آمیز همراه با مرد در کلپ‌های شبانه: ۲۲ درصد

تمامی ارقام و آمار بیان شده تنها گوشه‌ای از آمار مرتبط با خشونت‌های فیزیکی علیه زنان در دنیای واقعی است اما چیزی که امروزه جهان با آن روبه‌رو است خشونت علیه زنان در فضای مجازی است که شاید تا چند سال آینده قربانیان این نوع از خشونت بیش از قربانیان خشونت در دنیای واقعی باشد. پوشش نامناسب زنان در امکان عمومی حتی در کشورهای غربی که حجاب به معنایی که در کشورهای مسلمان مصداق نمی‌یابد هم علتی است برای بروز خشونت بر علیه زنان. حال آنکه زنان در فضاهای مجازی با پوشش‌های بسیار زننده‌تر از دنیای واقعی ظاهر می‌شوند و خود به نوعی محرک غریزه جنسی مردان می‌شوند. همین امر موجب می‌شود تا مردان اغلب در پی کامیابی‌های جنسی وارد عرصه مجازی شده و زنان را بعنوان کالایی جنسی ببینند و بشناسند.

نظریه یادگیری اجتماعی را آلبرت بندورا در دهه ۱۹۹۰ مطرح کرد. از نظر بندورا رفتار از دو طریق آموخته می‌شود: یا از طریق پاداش دادن به اعمال (یادگیری ابزاری) یا از طریق مشاهده آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران (مدل‌سازی). بنابراین، کودکانی که از هر طریق می‌آموزند که خشن باشند، شاید الگوی آموخته شده را در دوران بزرگسالی نیز ادامه دهند. همچنین بندورا به دخالت شرایط زمینه‌ساز مانند تراکم جمعیت، آلودگی و غیره در پیدایش پرخاشگری و خشونت اشاره دارد که از آن می‌توان در راستای تبیین نقش

خانواده در آزار کودکان بهره جست. ^۱ رهیافت یادگیری اجتماعی بر این موضوع تأکید دارد که چگونه وضعیت‌های اجتماعی و محیطی به افراد می‌آموزند تا رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز داشته باشند. در این رهیافت پرخاشجویی و خشونت به مثابه رفتارهایی اجتناب‌ناپذیر تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان رفتارهای در نظر گرفته می‌شوند که بر اساس پاداش‌ها و تنبیهات شناخته و فرا گرفته می‌شود. تئوری یادگیری اجتماعی نه تنها به طور خاص به پاداش‌ها و تنبیهات مستقیمی که افراد به طور مستقیم تجربه می‌کنند توجه دارد، بلکه افزون بر آن به پاداش‌ها و تنبیهاتی نیز توجه دارد که الگوهای نقش افرادی، که راهنمای عمل رفتار قرار می‌گیرند، به سبب رفتار پرخاشگرایانه‌شان دریافت می‌دارند. بر این اساس افراد به مشاهده و تأمل در رفتار الگوها و پیامدهای رفتار می‌پردازند. اگر این پیامدها مثبت باشد رفتار مذکور در وضعیت‌های مشابه از طرف مشاهده‌کننده مورد تقلید قرار می‌گیرد. ^۲ پرخاشگری و خشونت، رفتار و کنش اجتماعی است که از طریق فرآیندهای اجتماعی، تولید، بازتولید و فرا گرفته می‌شود. که این رفتار از طریق مدل‌ها و تقویت رفتار به وسیله پاداش و تنبیه ایجاد می‌شود. فرد ممکن است رفتارهای خشونت‌آمیز یا تهاجمی را از طریق سه منبع یاد بگیرد: خانواده، زیرمجموعه‌های فرهنگی (مثلاً طبقه اجتماعی فقیر) و فرهنگ (مطالعه، تلویزیون، سینما...). خشونت‌های خانگی که شخص در دوران کودکی به عنوان ناظر اولیه شاهد آن‌ها بوده یا خود قربانی آن خشونت‌ها شده است، پیامدهای سوء بر آینده او می‌گذارد. و شخص با یادگیری رفتار خشن، آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. و این نظریه معتقد است که ریشه اولیه خشونت در الگوسازی و تقویت معیارهای خانواده است. ^۳



ماریا روی (۱۹۹۷) در پژوهشی ۱۵۰ زن آمریکایی را بررسی کرد که مورد ضرب و شتم توسط شوهرانشان واقع شده بودند. نتایج حاصل از سابقه خشونت در خانواده پدری نشان داد که ۸۱/۱٪ از شوهرانی که زنان خود را کتک‌زده بودند در خانواده پدری شاهد کتک خوردن مادرشان از پدرشان بوده‌اند، ولی در میان زنان کتک‌خورده ۳۳/۳٪ شاهد کتک خوردن مادر خود از پدرشان بوده و عنوان کرده‌اند که از رفتار خشونت‌آمیز شوهرشان حیرت نکرده‌اند، زیرا با این پدیده آشنا بودند. با توجه به بیان علت‌های گوناگون برای

۱۷. خاک رنگین، مریم، فتحی، منصور، (عوامل خانوادگی مرتبط با کودک- آزاری)، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۸۸.

18. Feldman, Robert S, understanding psychology, McGraw-Hill, Inc, 1993.

۱۹. حاج بیگی، محمدرضا، مسعودی، احمدرضا، (خشونت و پرخاشگری در فوتبال و راهکارهای کنترل آن)، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۲۱، ۱۳۸۵.

بروز خشونت مجازی علیه زنان و با بررسی آمار سازمانهای بین المللی از میزان خشونت علیه زنان میتوان به اثبات این فرضیه رسید که: "اختلافات خانوادگی و رفتار تحریک کننده زنان دو عامل اصلی خشونت علیه زنان در فضای مجازی است."

بیشتر افرادی که مرتکب خشونت و در بیان مضیق خشونت علیه زنان میشوند افرادی هستند که در دوران کودکی در خانوادهایی رشد یافته اند که ارتباط والدین با یکدیگر پرخاشگرانه بوده است و در دوران کودکی در خانه و یا محیطهای دیگر شاهد نوعی از خشونت بوده اند. افراد در فضای مجازی با تکیه بر پنهان ماندن هویتشان و فرار از مجرم شناخته شدن و مجازات راحت بر علیه دیگران اعمال خشونت می کنند. زنان به عنوان گروه عظیمی از اعضای جامعه بیشتر از مردان مورد خشم قرار می گیرند. اگر خشونت مجازی علیه زنان اینگونه افزایش یابد حتما جامعه جهانی با مشکلی جدی روبه رو خواهد شد زیرا زنان تربیت کنندگان نسل آینده جهان هستند حال آنکه اگر زنان از آرامش و امنیت برای رشد و بالندگی و فعالیت برخوردار نباشند هیچگاه نمی توانند نسلی موفق و پویا را برای آینده تربیت کنند و از حقوق شایسته خود به عنوان یک شهروند برخوردار شوند.

نتیجه گیری:

خشونت مجازی علیه زنان پدیده ای نوظهور است که زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان را در سراسر جهان تهدید می کند پدیده ای که برخلاف تلاشهای نهادهای مختلف حامی زنان در محو اشکال مختلف خشونت علیه زنان هم چنان تعداد زیادی از زنان جوامع را قربانی میکند. در اکثر تحقیقات و مقالات علمی ارائه شده پیرامون علل خشونت علیه زنان تنها عللی بیان شده اند که زنان را در دنیای واقعی مورد ظلم قرار داده اند اما در این مقاله سعی شده است تا از دیدگاهی نو به خشونت علیه زنان توجه شود و جنبه روانی ناشی از خشونت را در اولویت قرار داده و به بررسی خشونت در فضایی به غیر از دنیای واقعی پرداخته شده و علل بروز خشونت در این فضا بررسی شود. در برخی از مقالات یاد شده به خشونت سایبری توجه شده اما به ماهیت کلی خشونت به طور عام توجه شده است اما مقاله حاضر به این موضوع توجه کرده که چرا زنان قربانیان اصلی خشونت مجازی هستند و علل این افزایش خشونت را در چه چیزی دنبال می کند. با توجه به دیدگاه یادگیری اجتماعی باندورا به این نتیجه دست یافته ایم که اختلافات و کشمکش های خانوادگی در مرحله اول اصلی ترین عامل خشونت علیه زنان است چرا که کودکانی که شاهد خشونت هستند و آن را تجربه می کنند نسبت به کودکانی که در فضایی امن رشد یافته اند در بزرگسالی خشن تر خواهند بود و امروز با کشیده شدن ارتباطات افراد از دنیای واقعی به دنیای مجازی این افراد به علت هایی مثل پنهان ماندن



هویت خشونت خود را بروز می دهند. در مرحله دوم تغییر فرهنگ ها و ارزشها مثل تغییر سبک پوشش و رفتار زنان عاملی ثانوی در این افزایش خشونت است. حضور زنان و دختران با سبک پوشش نامناسب و محرک در شبکه های اجتماعی و سایر فضاهای مجازی به نوعی داوطلبانه خود را در معرض خطر قرار می دهند. با توجه به راهکارهای زیر میتوان خشونت علیه زنان در فضای مجازی را کاهش داد و فضایی امن را برای حضور زنان در جامعه و اجتماع مهیا کرد. تحکیم بنیاد خانواده: توجه بیشتر به بنیاد خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی جامعه می تواند کمک شایانی در کاهش این مخاطرات اجتماعی داشته باد. هنگامی که فرد در محیطی آرام و امن پرورش یابد از سلامت روانی کافی برای برخورد با مشکلات برخوردار خواهد بود. اگر فرزندان در خانواده عاطفه و محبت را تجربه کنند این محبت و امنیت را به اجتماع منتقل می کنند. ری تینک یک افزونه صفحه کلید برای نوجوانان است که پیام های توهین آمیز را مشخص می کند و از نویسنده تقاضا می کند در ارسال آن پیام تجدیدنظر کند. ناشناس بودن در فضای اینترنت و زمان زیادی که نوجوانان به صورت آنلاین صرف می کنند نگرانی ها در مورد خشونت های سایبری افزایش داده است. قربانیان کم سن و سال خشونت های مجازی عموماً از افسردگی، اضطراب و اعتماد به نفس پایین رنج می برند و بیشتر در معرض خطر انصراف از تحصیل هستند. ری تینک راه حلی ساده است که در نظر دارد با درخواست از نوجوانان برای تجدیدنظر در ارسال پیام های توهین آمیز به صورت فعالانه از خشونت های سایبری جلوگیری کند. ری تینک نرم افزاری است که بدون خواندن پیام ها و با استفاده از فناوری فیلترینگ حساس به متن، پیام های توهین آمیز را مشخص می کند. این سیستم با نمایش پیامی به صورت پاپ آپ به کاربران یادآوری می کند که پیامشان توهین آمیز است و از آن ها می خواهد که در فرستادن آن تجدیدنظر کنند. این عمل به نویسنده پیام فرصت می دهد تا بدون جلوگیری از ارسال و نصیحت مستقیم در پیام خود تأمل کند. کاربران در صورت تمایل می توانند همان پیام اولیه خود را بفرستند اما مطالعات نشان داده است که تنها ۱۰ درصد از افراد این کار را می کنند. ری تینک توسط یک نوجوان به نام تریشا پرابهو و با الهام گیری از خودکشی یک قربانی ۱۱ ساله خشونت سایبری به وجود آمده است. پرابهو و گروهش با انجام تحقیقات بسیاری دریافتند استفاده از ری تینک فرستادن پیام های خشونت آمیز توسط نوجوانان را از ۷۱ درصد به ۴ درصد کاهش می دهد. ری تینک در حال حاضر به عنوان یک اپلیکیشن رایگان در دسترس قرار دارد. همچنین می توان از آن در مدارس استفاده نمود.



منابع و مآخذ:

۱. اکبری، ابوالقاسم، اکبری، مینا، آسیب‌شناسی اجتماعی؛ تهران: انتشارات رشد و توسعه ۱۳۹۰
۲. ارنسون، الیوت روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکر کن، تهران، انتشارات رشد ۱۳۷۵
۳. نقه الاسلامی، علیرغم، چالش‌های اخلاقی در عصر ارتباطات ۱۳۸۵
۴. حاج بیگی، محمدرضا، مسعودی، احمدرضا، خشونت و پرخاشگری در فوتبال و راهکارهای کنترل آن، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۱۳۸۵، ۲
۵. خاک‌رنگین، مریم، فتحی، منصور، عوامل خانوادگی مرتبط با کودک-آزاری، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۱۳۹۰، ۳۳
۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، چاپ اول (دوره جدید)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۸۳
۷. رفعت‌جاه، مریم، زنان و بازتعریف هویت اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم شماره ۲ ۱۳۸۲،
۸. رفیعی فر، شهرام، برنامه مداخلات چندبخشی برای پیشگیری و کنترل خشونت خانگی در کشور، انتشارات معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۱۳۸۶
۹. رئوف، عزت، مشارکت سیاسی زن، ترجمه محسن آرمین، نشر قطره ۱۳۸۰
۱۰. زنجانی‌زاده، هماء، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، ۱۳۸۴
۱۱. شیخی، محمد تقی، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، شرکت سهامی انتشار ۱۳۸۰
۱۲. کریمی، فاطمه، تراژدی تن، چاپ اول، تهران، نشر روشنفکران و مطالعات زنان ۱۳۹۰
- کار، مهرانگیز، حقوق و خشونت، کیان، سال هشتم ۱۳۸۰
۱۳. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران، نشر نی ۱۳۸۰
۱۴. میرحسینی، مریم، کج‌روی‌های اینترنتی؛ لزوم نظارت و محدود کردن دسترسی به اطلاعات، فصلنامه رسانه
۱۵. محبی، فاطمه، آسیب‌شناسی اجتماعی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۳۸۹
۱۶. ولش، پاتریشیا، روانشناسی اینترنت، ترجمه بهنام اوحدی، تهران، نشر نقش خورشید ۱۳۸۰

